

به نام خدا

خوابگزاری همراه التحییر امام فخر رازی

به کوشش ایرج افشار

دومتن

۲- التحییر فی علم التعبير
تألیف فخرالدین محمد بن عمر رازی

۱- خوابگزاری
متن قدیمی بر اساس نسخه‌ای منحصر

خوابگزاری متن قدیمی بر اساس نسخه‌ای منحصر/ با تصحیح و مقدمه
ایرج افشار. التحبير في علم التعبير / تأليف فخرالدین محمدبن عمر رازی؛
به اهتمام ایرج افشار. -- تهران: المعی، ۱۳۸۴.

ISBN 964_7553_10_2

۶۶۴ ص

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. خوابگزاری. ۲. نشر فارسی -- قرن ۷ ق. الف. فخر رازی، محمدبن
عمر ۹۵۴۴-۶۰۶ ق. التحبير في علم التعبير. ب. افشار، ایرج، ۱۳۰۴ -
مصحح. ج. عنوان. د. عنوان: التحبير في علم التعبير. ه. عنوان:
خوابگزاری همراه التحبير امام فخر رازی.

۱۳۵/۳

۹خ ۲ف/۸۸۱ BF

ن ۱۳۸۴

۸۴-۳۳۳۴۸ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات المعی

خوابگزاری همراه التحبير امام فخر رازی

به کوشش: ایرج افشار

انتشارات المعی

لیتوگراف: آران گرافیک

چاپ: دانش پژوه

صحافی: آفرینش

چاپ اول: بهار ۱۳۸۵ تیراژ ۱۵۰۰ جلد

ISBN 964_7553_10_2

شابک: ۹۶۴-۷۵۵۳-۱۰-۲

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۶ کتاب خوابگزاری و

در سال ۱۳۵۴ التحبير في علم التعبير را به چاپ رسانده است.

حق طبع این کتاب برای ناشر محفوظ است.

یادداشت بر چاپ دوم

چهل سال پیش متن فارسی ناشناخته «خوابگزاری» که نسخه‌اش یگانه بود به چاپ رسید و به ویژه در پژوهشهای زبان شناختی و بررسی رسم خط کارآمد شد. هشت سال پس از آن ورقهایی چند از متن فارسی کتاب التحبیر فی علم التعبير که نسخه‌اش را کتابخانه مجلس سنا خریده بود به دست آوردم و چاپ کردم تا دو متن قدیمی فن خوابگزاری در دست باشد.

اما پیش از آن، کتاب خوابگزاری مشهور به کامل التعبير تألیف حبیب تفلّیسی که به مناسبت چاپ شدن (به طور سنگی) در دسترس بوده برآورده نیاز همگانی شده بود، ولی چون نسخه خطی اساس آن چاپها مشخص نبود در مطالعات علمی نمی‌توانست پاسخگو باشد.

دو متن خوابگزاری و التحبیر پیش ازین در دو جلد مجزا انتشار یافت ولی اینک که انتشارات المعی خواستار تجدید طبع آنهاست بهتر دیده شد که در یک مجلد به چاپ برسد تا آسانتر و به همراه در دسترس پژوهندگان باشد.

از مدیر محترم این انتشارات، خانم المعی سپاسگزارم که با همت خود کتاب نایابی را به بازار متون پیشینه عرضه داشته است.

۹
۱۳۸۵
ف

تهران - سیزدهم فروردین ۱۳۸۵

خوابگزاری

متن قدیمی بر اساس نسخه‌ای منحصر

باصحیح و مقدمه

ایرج افشار

فهرست مطالب

پنج - پانزده

مقدمه و معرفی

- ۲ باب اندر درست شدن خواب و خطا گشتنش
- ۲ باب اندر خبرها کی از پیغمبر آمده است
- ۳ باب اندر پدید کردن و بکار داشتن گفتار پیغمبران اندر خواب
- ۳ باب اندر پدید کردن خواب از پیغمبری به چند جزومت
- ۵ باب اندر پدید کردن کی روح چه چیز را ماند
- ۷ باب اندر تفسیر خواب و آنچه باید گفت به وقت شنیدنش
- ۸ باب اندر ابتدا کردن کی خدای تعالی علم خواب اول کراداد
- ۸ باب اندر خواب دیدن شب و روز و آنچه گزیده است به دیر و زود
- ۹ باب اندر فراموش کردن خواب
- ۱۰ باب اندر روزگار سعد و نحس از هر ماهی
- ۱۰ باب اندر حکم کردن بر آنچه دیده بود
- ۱۱ باب - کتاب دانیال پیغمبر علیه السلام
- ۱۳ باب اندر استعاذت کردن از بدی خواب
- ۱۵ باب اندر فضل و شرف
- ۱۵ باب اندر تصدیق خواب
- ۱۶ باب اندر ادب عبارت
- ۱۶ باب اندر بدانستن خواب گزاردن
- ۱۷ باب مایه از آن که در خواب بیند
- ۱۸ باب تصدیق طبایع و بهری از خوابهای مختلف
- ۱۹ باب حال و زمانه و وقت
- ۱۹ باب تصدیق خواب که چند گونه بود
- ۲۰ باب آگاه کننده و بژده دهنده از روز
- ۲۰ باب اندر خوابهای دروغ که از بلغم و خون و گش خیزد
- ۲۱ باب آداب و تاویل خواب

- ۲۱ باب اندر علم سخن راندن
- ۲۳ باب روی دوم و سوم اندر اصل و تصنیف خواب
- ۲۳ باب اصلهای خواب و گزارش او
- ۲۴ باب اندر قدر و مایه مردم
- ۲۴ باب اندر گوهرهای خواسته
- ۲۴ باب اندر تأویل درختان
- ۲۴ باب سیم اندر تفسیر درخت
- ۲۵ باب چهارم اندر تفسیر کوه و رود
- ۲۵ باب پنجم اندر تفسیر دیوار و سرخان
- ۲۵ باب ششم اندر درخت گان و زین و بالان و چوب
- ۲۶ باب هفتم اندر پرندگان
- ۲۶ باب اندر یاد کردن خواب در کدام فصل نیکو بود
- ۲۷ باب اندر پدید کردن خواب کدام وقت شاید گفت
- ۲۷ اندر خواب بختنصر
- ۲۸ خبر دیگر
- ۳۱ باب اندر چیزها کی از پیغمبر علیه السلام آمده است اندر طیره گرفتن
- ۳۳ باب اندر قیاس آنکه به کار باید داشتن از شناختن عبارت
- ۳۴ باب دیگر در همین معنی
- ۳۵ باب اندر دانستن دلیل نیک و بد از ماهها
- ۳۶ باب اندر آنچه درست باید دانست از خواب
- ۳۶ باب اندر بدانستن خواب پیش از آنکه باز پرسند
- ۳۷ حدیث اندامها که به اول این باب گوید
- ۳۷ باب اندر خواب مریضی
- ۳۹ باب طبایع خواب و رویهای او و خلاف برگفتار دانیال
- ۴۰ باب اندر آنچه پیغمبر و یارانش دیده اند از نام و قال
- ۴۱ باب اندر آنچه دوست داشته اند از راست و چپ نگریدن
- ۴۲ باب اندر صفت شیر و آفرینش مردم
- ۴۲ باب اندر صفت پلنگ و آفرینش مردم
- ۴۳ باب اندر صفت [رویه] و آفرینش مردم

- باب اندر صفت گرگ و آفرینش مردم ۴۳
- باب اندر صفت یوز و آفرینش مردم ۴۳
- باب اندر صفت سگ و آفرینش مردم ۴۴
- باب اندر صفت خوک و آفرینش مردم ۴۴
- باب اندر صفت گریه و آفرینش مردم ۴۴
- کتاب پسر سیرین ۴۶
- باب اندر پدید کردن که خواب پیش که باید گفت ۴۶
- باب اندر پدید کردن که خواب گزار باید که چه گوید ۴۷
- باب اندر پدید کردن که خواب به چه وقت باید گزارد ۴۸
- باب ادب عبارت بر قول پسر سیرین (ازینجا ظاهر آ کتاب کرمانی آغاز می شود) ۴۸
- باب تفسیر هشتم اندر خواسته ۵۰
- باب اندر رفتن خوابها ۵۱
- باب اندر عبارت و نیت ۵۱
- باب اندر ناسها و معنیها ۵۱
- باب اندر کار و پیشه مرد ۵۲
- باب اندر جستن تأویل ۵۲
- باب اندر شرح همت ۵۲
- باب اندر تفسیر نخستین ۵۳
- باب اندر قیاس ۵۳
- باب اندر آنچه آمده است که گویند که خواب بر آن گونه بود تفسیر کنند ۵۴
- باب اندر آنچه که هیچ چیز بدی خواب باز ندارد ۵۵
- باب نیکی گفتن اندر وقت خواب گزاردن ۵۵
- باب اندر بگشتن خواب سوی برادر یا همنام یا مانند آن ۵۵
- باب اندر گوهر خواب اندر روزگار پیشین نزدیک پیغمبر علیه السلام ۵۷
- باب اندر شرف خواب ۵۸
- باب اندر دروغ گفتن اندر خواب گزاردن ۵۹
- باب اندر آنچه دیو نماید و ننماید ۶۰

۶۰	باب اندر آنچ دیو نتواند نمودن
۶۰	باب وقتهای خواب دیدن از سال و روزگار
۶۱	باب اندر خواب و بیرون آمدنش
۶۱	باب اندر نامهای آن یازده ستاره که یوسف بخواب دید
۶۳	کتاب الالف
۸۸	کتاب الباء
۱۱۰	کتاب التاء
۱۱۹	کتاب الثاء
۱۲۵	کتاب الجیم
۱۴۲	کتاب الحاء
۱۶۶	کتاب الخاء
۱۸۵	کتاب الدال
۱۹۹	کتاب الذال
۲۰۴	کتاب الراء
۲۱۵	کتاب الزاء
۲۱۸	کتاب السین
۲۳۷	کتاب الشین
۲۴۸	کتاب الصاد
۲۶۲	کتاب الضاد
۲۶۵	کتاب الطاء
۲۷۵	کتاب الظاء
۲۹۶	کتاب العین
۲۹۶	کتاب الفاء
۳۰۷	کتاب القاف
۳۳۱	کتاب الکاف
۳۴۲	کتاب اللام
۳۵۳	کتاب المیم
۳۸۷	کتاب النون
۳۹۵	کتاب الواو

مقدمه و معرفی

کتابی که درین بین‌الدین در سلسله انتشارات « بنیاد فرهنگ ایران » نشر می‌شود بنا بر اختصاصات سبکی نگارش و ممیزات لغوی به احتمال قریب به یقین قدیمترین متن فارسی در علم خوابگزاری (تعبیر الرؤیا) و بالطبع بر کتاب مشهور « کامل التعبير » تألیف حبیبش تفلّیسی (متوفی حدود ۶۰۰) ^۱ که قرن‌ها درین زمینه کتاب شاخص بود و هنوز هم رواج دارد مقدم است و مسلماً برای تحقیقات لغوی و تجسس در تاریخ عقاید و آراء عامه از مراجع قدیم و مدارک اساسی تواند و خواهد بود .

« خواب » که درین پنجاه سال اخیر بر اساس تفکرات علمی فروید مبانی و اساسی تازه پذیرفته، تعبیر کردنش میان ملل قدیم شیوع تمام داشت و دانشمندان کتب متعدد در آن باب تألیف کرده‌اند، و در کتابهای تاریخ و دائرة المعارف چون بحر الفوائد، صبح الاعشی، العبر ابن خلدون، مفتاح السعادة، نفائس الفنون، یواقیت العلوم نیز ابوابی را بدان مخصوص گردانیده‌اند. معبران (خوابگزاران) از مردمان ارجمند و صاحب نفوذ بودند و پادشاهان و امیران اکثر امبران خاص (به مانند طبیب و منجم) در دربار و دستگاه خود داشتند .

کتب خوابگزاری

در دنیای اسلامی نه تنها معبران مشهوری بوده‌اند که آثار اصیل فکر و ابتکار آنها قرنهای متمادی مرجع و منشأ تعبیر و تأویل خوابها بود بلکه دانشمندان اسلامی از صدر اسلام تا دوران خلافت عباسیان از زبانهای سریانی و عبری و لاتینی و یونانی نیز کتب را به عربی و بعداً به فارسی نقل کرده‌اند که اهم آنها « تعبیر الرؤیا » اثر اطامیدورس

۱- برای شرح حال او نگاه کنید به مقاله اینجانب در « فرهنگ ایران زمین » : ۲۷۹-۲۸۰

۲۹۷، و مقدمه دکتر مهدی محقق بر « وجوه قرآن » اثر حبیبش (تهران ، ۱۳۴۰) .

Artémidore d' Ephèse است که حنین بن اسحاق (متوفی در ۲۶۰) از یونانی به عربی برگردانیده و اخیراً توسط توفیق فهد در دمشق نشر شده است.^۱

در کتب مختلف بخصوص عجائب نامه‌ها، متون سیاست و اخلاق اشارات متعدد به خوابهای معروف و نام معبران مشهور شده که تحقیق درین باب خود مطلبی دلچسب و شیرین و از موضوع بحث فعلی ما خارج است. ولی باید گفت که نام معبران قدیم چون ابن سیرین و کرمانی و دانیال و مأمونی در اکثر مراجع دیده می‌شود و از آثار منسوب به آنها مکرراً نام رفته است. از جمله ابن الندیم در الفهرست (تألیف سال ۳۷۷) از کتابهای ارطامیدورس، النوم و اليقظة اثر فرفور یوس، الانذارات التومیة اثر ابوسلیمان منطقی، کتاب ابراهیم بن بکوس، و تعبیر الرؤیاهای ابن سیرین و کرمانی و فیریانی و ابن قتیبہ نام برده است.

حبیش نفلیسی هم در مقدمه «کامل التعبیر»^۲ نام عده‌ای از این آثار را بدین شرح می‌آورد: «... و برنسخ حروف معجم تأویل خوابها به پارسی واضح به هم جمع آوردم از کتابهای معبران که در علم نفیس و مشهور و معروف بود: چون کتاب اصول دانیال حکیم و کتاب تقسیم جعفر صادق و کتاب جوامع محمد بن سیرین و کتاب دستور ابراهیم کرمانی و کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسمعیل بن اشعث و کتاب کتیر الرؤیای مأمونی و کتاب تعبیر عبدوس و کتاب تعبیر جاحظ بن اسحق و کتاب حل الدلائل فی المنامات و کتاب التعبیر و کتاب ایضاح التعبیر [فخری و کتاب کافی الرؤیا و کتاب تعبیر معروف] طاموسی^۳ و کتاب مرقط الرؤیا و کتاب تحفة الملوک و کتاب خالد اصفهانی و کتاب مقدمة التعبیر و کتاب حقائق الرؤیا و کتاب وجیز محمد بن شاهونه^۴ و کتاب متفرق از

۱ - از انتشارات انستیتو فرانسوی دمشق (۱۹۶۴).

۲ - من معرفی این کتاب را جداگانه تحت عنوان «اندر فوائد لغوی کامل التعبیر»

در «مجموعه مقالات تحقیقی خاورشناسی اهداء به هانری ماسه» Mélanges d' Orientalisme

(تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲) نوشته ام. (ص ۱-۹)

۳ - چاپی: طاووس. ۴ - چاپی: ساهونه.

کلمات هر کس که درین علم تصنیف کرده اند]. پس اختیار کلام این جمع یاد کرده و نام این کتاب را کامل التعبير نهادیم . . . ۱۵

حاجی خلیفه هم در کشف الظنون کتابهای الآثار الاربعة فی اسرار الواقعة، ارجوزه التعبير، اصول دانیال، ارشاد جابر مغربی، ایضاح التعبير، البدء المنیر و شرح آن هر دواز حنبلی، بیان التعبير عبدوس، تحفة الملوک، تعبیر ابن اشعث، تعبیر ابن المقری، تعبیر ابوسهل مسیحی، تعبیر ارسطو، تعبیر افلاطون، تعبیر اقلیدس، تعبیر بطلمیوس، تعبیر جاحظ، تعبیر جالینوس، تعبیر سلطانی بفارسی از قاضی اسماعیل بن نظام الملک ابرقوهی تألیف ۷۶۳ بنام شاه شجاع مظفری^۲، تعبیر قادری، تعبیر مأمونی، التعبير المنیف و التأویل الشریف اثر محمد بن قطب الدین از نیقی متوفی ۸۸۵، تعبیر نامج ابی طاهر ابراهیم بن یحیی بن غنام حنبلی متوفی ۶۹۳، تعبیر نامج فارسی منظوم اثر فتاحی نیشابوری - را بر می شمارد.

صاحب ذیل کشف الظنون یعنی اسماعیل یاشا نامهای تعبیر الرّویای ابی عبدالله حسین بن محمد معروف به ابن المقری متوفی ۵۲۳، التعبير المأمونی از ابی محمد هارون بن عباس بغدادی متوفی ۵۷۲ و تعبیر المناجات شهاب الدین احمد بن سلامة قلیوبی شافعی متوفی در ۱۰۶۹ را الحاق کرده است.

آقای توفیق فهد هم در ضمن مقاله ای به نام کتب مذکور در زیر اشاره کرده است: کتاب الجوامع ابن سیرین (قاهره ۱۳۱۰ ق.)، منتخب الکلام فی تفسیر الاحلام منسوب به ابن سیرین (که در حاشیه تعطیر الانام چاپ شده، بولاق ۱۳۰۲ ق.)^۳، تعطیر الانام فی تعبیر المنام تألیف عبدالغنی بن اسماعیل النابلسی متوفی در ۱۱۴۴

۱ - منقول از نسخه چلبی عبدالله بشماره ۲۲۶ مورخ ۷۷۲ که او را ق اول آن تازه نویسنده است. تسمت‌های مندرج در [] منقول از نسخه چاپی سنگی مورخ ۱۲۸۴ ق. در تهران است. در نسخه متعلق به دکتر اصغر مهدوی (قرن دهم) قسمتی از اساسی افتاده و در نسخه ۴۷۸ ه کتابخانه ملی ترکیه که به احتمال آقای مجتبی سینوی از قرن ششم یا اوائل قرن هفتم هجری است اساساً مقدمه ساقط شده است.

۲ - نسخ این کتاب در کتابخانه‌ها دیده می‌شود.

۳ - خلاصه‌ای از «منتخب» هم بعنوان «تعبیر الرویا» در بولاق به سال ۱۲۸۱ ق. طبع و چند بار هم در قاهره و لکنه و بمبئی تجدید چاپ شده است.

(چاپ قاهره ۱۲۷۵، بولاق ۱۲۹۴، قاهره ۱۳۰۲)، الاشارات فی علم العبرات تألیف ابن ساهین (متوفی ۸۷۳)، القادری فی التّعبیر تألیف ابوسعید نصر بن یعقوب الدینوری در ۳۹۷ برای خلیفه القادر بالله، دستور فی الرؤیا اثر ابواسحق کرمانی که مؤلف آن در عهد مهدی می زیست، علة النّوم والرّویا اثر یعقوب بن اسحاق کندی که به لاتینی ترجمه شده، تعبیر الرؤیا اثر ابن قتیبه دینوری، البشارة والنّظارة فی تعبیر الرؤیا اثر ابوسعید بن عبد الملک بن عثمان خرقوشی واعظ متوفی در ۴۰۷، تعبیر الرؤیا والمنظومة فی التّعبیر هر دو تألیف ابوطاهر یحیی المقدسی متوفی در ۶۷۴، الاشارة الی علم العبارة تألیف ابو عبدالله محمد بن احمد بن عمر السّلمی که حدود ۸۰۰ می زیست^۱.

این همه کتاب بخوبی حکایت از اهمیت این علم نزد مسلمانان دارد. بسیاری ازین کتب برای امیران و پادشاهان نوشته شده است، چون تعبیری که ابوسهل مسیحی برای مأمون بن محمد خوارزمشاه نوشت یا کامل التّعبیر که حیث آنرا بنام عزالدین ابوالفتح قزل ارسلان از سلجوقیان اناطولی پیرداخت و جزانیها.

نیز معلوم می شود که چه مقدار کتاب درین علم در میان اقوام مسلمان رواج داشت و این فن به چه پایه از اعتبار بود، و طبعاً بدان می ارزد که یکی از منتهای قدیمی خوابگزاری به فارسی در دسترس محققان قرار گیرد.

* * *

۱ - برای تفصیل این مطالب نگاه کنید به Les songes et leur interprétation selon Islam بقلم توفیق فهد در کتاب Les songs et leur interprétation (چاپ پاریس، ۱۹۵۹) که جلد دوم از دوره کتابهایی است که تحت عنوان Sources Orientales انتشار یافته است (ص ۱۲۷-۱۵۸). نیز در همین کتاب دو مقاله قابل ذکر و مورد استفاده در باب تعبیر خواب و مربوط به ایران هست: یکی بقلم دکتر محمد مکرری تحت عنوان Les songes et leur interprétation chez les Ahl-e-Haqq du Kurdistan iranien (ص ۱۹۱-۲۰۵) و دیگری بقلم Eva Meyerovitch تحت عنوان Les songes et leur interprétation chez les Persans (ص ۱۷۵-۱۸۸).

کتاب حاضر

موجب تأسف است بعلم آنکه یگانه نسخه‌ای^۱ که از این متن قدیمی در دسترس ما قرار گرفته به علت نقص و به مناسبت آنکه مصراع «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است» را مصداقی کامل و حقیقی است نام کتاب و مترجم آن را نمی‌دانیم و اطلاعاتی هم که از متن موجود به دست می‌آید بسیار ناقص و ناچیز است.

این نسخه ظاهراً از نیمه اول قرن هفتم و با احتمالی از آن سالهای آخر قرن ششم هجری و بقطع ۱۵×۲۲/۴ سانتی متر است. بر روی هر صفحه از آن هفده سطر کتابت شده است. خط آن نسخ خوش و عده اوراق موجود آن ۱۷۹ برگ و کاغذ آن نخودی رنگ کلفت و رنگ سیاهی (مرکب) آن گاه قهوه‌ای و گاه تریاکی رنگ است. بجز افتادگی قسمتی از متن (که همه‌جا اشاره شده)، عده‌ای از اوراق موجود پوسیده و پاره و سائیده شده است. کتابت نسخه از دو (و حتی سه) کتاب است (از هر سه بطور نمونه عکس برداری و چاپ شد)؛ و از برگ ۱۳۲ بپس خط کتابت دوم (و شاید سوم) شروع می‌شود. عناوین نسخه باقرمزی نوشته شده است، مگر در اوراق ۱ و ۲ و ۳ و ۹ و ۱۲ تا ۱۴.

با همه تجسّسی که در مراجع مهم کتابشناسی یعنی الفهرست ابن ندیم و کشف الظنون شد و نیز تحقیق در مطالب و مضامین کتاب نام کتاب و مؤلف را نمی‌توان شناخت. منتها از متن چند نکته به دست می‌آید که تا حدّی وسیله شناسائی کتاب تواند بود.

در صفحه ۱۱ آمده است: «باب کتاب دانیال پیغمبر علیه السلام». این کتاب دانیال حکیم است اندر علم خواب»، و در صفحه ۳۷ که دنباله همین کتاب دانیال است ذیل عنوان «باب اندر خواب مهدی» چنین می‌آید:

«خلیل اصفهانی گوید مترجم این کتاب از سریانی به فارسی که مهدی خلیفه بغداد خوابی دید و فراموش کرد. چند روز شد غمگین بنشست. وزیر خویش را گفت خوابی دیدم و فراموش کرد [م]. اگر مردی را با دست توانی آوردن که این خواب مرا تا دست آورد اگر به فال بود دیگر نیک کرده باشی، مگر

۱ - این نسخه متعلق است به دوست دانشمند دکتر مهدی بیانی که به لطف تمام آن را در اختیار نگارنده گذاشت و اجازت انتشار آن را فرمود.

این غم از دل من برود. وزیر گفت یا امیر المؤمنین خلیل اصفهانی خداوند ترجمه کتاب دانیال تواند و اگر کسی بر پشت زمین هست که این تواند دانست، نیست مگراو...»

بالاخره در صفحه ۶۲ آمده است:

«... سپری شد خطبه نامه دانیال حکیم و آنچ شرط کردم که یاد کنم اندر شناختن... اکنون یاد کنم کتاب پسر سیرین و آنچ او پیدا کردست اندرین معنی اگر ایزد تعالی خواهد...»

میان ورق 26 و 27 ظاهراً افتادگی وجود دارد و چون در ابتدای مطالب صفحات بعد مکرراً می آید که «کرمانی گفت» و در صفحه ۶۲ پس از نقل حکایتی به روایت از کرمانی آمده است که: «شناخته تر شدم اندر همه جهان از آفتاب اندرین علم و هیچ چیز اندرین نامه نگفتم که چند بار نیاز مودم» توان گفت که این قسمت اخیر ترجمه و مأخوذ از کتاب کرمانی است.

مؤلف درین کتاب چندجا از خود سخن می گوید و موارد عبارت است از: «و من میگویم» (ص ۹)، «و شنیدم که...» (ص ۱۶)، «... لیکن نخواستم که ازین کتاب بیفکنم چی معروف است. کتاب دانیال بر همین قیاس جمله فرو نهادم...» (ص ۳۳)، «... و من پیدا کنم گفتار دانیال اندر علم فراست» (ص ۴۱)، «و شنیدم...» (ص ۴۱)، «اگر من تمامت آن کتاب یاد کردم این کتاب دراز گشتی» (ص ۴۱)، «سپری شد خطبه نامه دانیال حکیم... اکنون یاد کنم کتاب پسر سیرین...» (ص ۴۵) از نقل مطالب بالا و توجه به متن کتاب که مؤلف بطور مزور و از آراء و عقاید دانیال و ابن سیرین و کرمانی و سعید بن المسیب نقل می کند سه نکته به دست آید.

یکی آنکه نسخه حاضر کتابی است اصولاً ترجمه شده و مبتنی بر کتابهای تألیف دانیال و ابن سیرین و کرمانی که در کتب نامشان در ردیف اول این فن برده می شود.

در قسمت الفبائی کتاب ترتیب مطالب بر اساس لغات عربی است و همین نکته خود گواه است بر آنکه مترجم یکی از متون عربی را اساس کار در ترجمه به زبان فارسی قرار داده بوده است.

ثانیاً مترجم کتاب دانیال به تازی خلیل اصفهانی است که در عهد مهدی خلیفه (۱۵۸ هجری) می زیسته و کتاب دانیال را از سریانی به عربی برگردانیده بوده است.

سه دیگر آنکه مؤلف بجز ترجمه کتب دانیال و پسر سیرین که آن دو را بصورت مستقل در آغاز کتاب خود آورده است در قسمت الفبائی علی الظاهر نظرات و افکار معبران دیگر را در متنی که مورد استفاده او بوده است داخل کرده است.

و نتیجه آمیخته به ابهام اینکه آیا این همان کتاب «متفرّق» نیست که حبیش تفلّیسی در کتاب خود از آن نام برده است؟

مؤلف در قسمت اول کتاب قصّه ای از خواب معروف و منسوب به بخت نصر نقل می کند که با مختصر اختلاف در کتاب اسکندرنامه (چاپ نگارنده، تهران، ۱۳۴۳) نیز آمده و به اسکندر نسبت داده شده است و چون حکیم ارسطو آن خواب را از اسکندر می شنود می گوید: «شاهد دل خوش دارد که این خواب بخت نصر دیده بود و دانیال علیه السلام آن را تعبیر کرد و من بنده آن دفتر تعبیر با خود دارم و در آنجا نبشته بود.»

فوائد لغوی و زبانی

بهترین فایده ای که از این متن قدیمی برمی گیریم شناختن عده ای از لغات و اصطلاحات مهجور و نحوه استعمال افعال و کلمات نادری است که فهرست الفبائی آنها تدوین و در جدول انتهای کتاب به طبع رسیده. اینجا برای آنکه بطور کلی این نوع لغات را بشناسیم به معرفی اجمالی می پردازیم.

یک دسته لغاتی است چون افروشه، ویش، گوش سنبه، سنجالو، مالوبره، دوکارده، لنبه، سلافن، فرج، تول، جزده، اسفهرود، فرستون، استونه، کو زبان که در متون دیگر من ندیده ام و بعضی از آنها به ندرت در کتب لغت توضیح شده است.

دسته دیگر لغاتی است که تغییرات شکلی و صوتی در حروف آنها دیده می‌شود؛ مانند اوام، اوشان، باشگونه، بیران، پافتاوه، پیلسوفان (فیلسوفان)، دست ابرنجن، شنبید (شنبه)، کستی (کشتی)، گرج (گج)، هنبان، دشنگی (تشنگی)، شفتالوا^۱ (شفتالو)، شفتالود، دریاب (دریا).

بطور کلی تبدیل حروف در این کتاب متعدد و وجوه اشهر آن عبارت است از:

تبدیل واو به با: بیران، بیرانه، نابدنانه، نانباء، نیسد.

تبدیل باء به واو: پاورنجن، خیاروارنگک، دست آورنجن، گرماوه، وا، یاود

تبدیل تاء به دال: دشنگی

تبدیل هاء به دال: شنبذ

تبدیل نون به میم: همباز

تبدیل الف به هاء: هنباز، هنبان

یک مورد درین متن «یام» (ص ۵۲) استعمال شده و اگرچه مطلقاً تکرار نشده است حدسی زده‌ام که ظاهراً لهجه‌ای و صورتی از «یاهم» است و در تعلیقات (ص ۴۲۸) شاهی بر آن از «تاریخ قم» نقل کردم. بعد که به عجائب المخلوقات طوسی نگریستم (نسخه مورخ ۸۸۴ آن متعلق به دکتر اصغر مهدوی) مواردی پیدا کردم که همین استعمال را مکرر دارد از جمله: «گفت زنان بیشتر یام مردان» (ص ۲۹۹).

افعال «هاگرفت» (۱۰۶، ۲۷۴) بودیت، بودیتیان، نگفتیدیت (ص ۴۷) از استعالات مخصوص قرون پنجم و ششم نیز در این کتاب به کار رفته.

۱ - در بحر الفوائد چاپ دانش پژوه (تهران، ۱۳۴۵) نیز استعمال شده است (ص ۴۰۳).

۲ - در تأویل این نوع استعمال بمنظور درست تلفظ کردن حرف آخر گفته‌اند که تقلیدی از عربی است مانند قراءت قالوا و جز آن.

این نوع استعمال در عجائب المخلوقات طوسی به کثرت دیده می‌شود مانند: دسروا، زیلوا، رفوا، زانوا.

در کتاب «دستور دبیری» چاپ عدنان ارزی (انقره، ۱۹۶۲) عبارتی بدین شرح آمده است: «وازان کلمه یکی آن است کی گلو و ابرو در پارسی بی الف نویسند و در تازی هرچ واو ازو گسسته باشد چون نصروا به الف نویسند».

ترجمه^۱ کتی در نام اشخاص، مانند پسر فضا و پسر عباس و پسر سیرین بجای ابن فضا و ابن عباس و ابن سیرین از موارد نادر ترجمه^۲ اعلام اشخاص در زبان فارسی است که مکرراً درین متن استعمال شده.

به کار رفتن بیوفتد (ص ۴)، هاموار (هموار، ۳۸)، باستاد (۵۶)، بیستد (۱۰۵)، بیستاد (۱۳۱)، جورب (جوراب)، سرون (سرو، ۱۵۹)، پرسته (برشته، ۱۰۷)، چرکن (= چرکین، ۱۰۲، ۳۲۰) هم از موارد و وجوه کهنه استعمال کلمات درین کتاب است.

موارد و استعمال «باز» و «با» و «را» به سبکی که در متن دیده می شود وسیله شناخت و دلالت تام بر قدمت متن است، از جمله در موارد زیر:

«بازتن شود... او را باز جای فرستد» (ص ۴)، «باز جای... باز هشتن» (۵)، «و مثلهای حکمت باز آن متفق و باز آن اصلها خوانند... باز دان... به یک بار باز نخواند» (ص ۲۱)

«... و خدای تعالی آن دانش را از تو باز ستاند...» (۱۶)، «... و زمینی را که بروسیزی را چیرگی بود».

«با دست توانی آوردن» (۳۷)، «و نرمی با گوشه نهاده» (۵۶).

خصائص رسم الخطی و لهجه ای در نسخه

۱) استعمال تشدید در الفاظ فارسی: خرمی^۱ (ص ۹)، زَر (۳۱، ۱۱۶، ۱۵۸)، کَرّی (۸۸)، آجَر (۹۲، ۹۱)، تَر (۹۲، ۱۰۸، ۱۵۵)، تَره (۹۷، ۱۲۱)، پَر (۱۰۶، ۳۹)، بَرید (۱۱۳، ۱۶۰)، گَرّی (۱۲۷)، بچگان (۱۵۷).

۲) ضبط کلمات بر اساس تلفظ کاتب: چُنان (موارد متعدد)، سُپری (۳۰۸)، بُدرید (۳۳۷، ۳۱۸)، دُریده (۳۱۹)، جَوان (۳۴۲ - به فتح، در حالی که در نسخ قدیم

۱ - البته در بعض موارد هم بدون تشدید و نیز بصورت «خوری» (۳۵۵) استعمال

شده است.

به ضمّ دیده می‌شود)، چشم (۳۸، به فتح)، بُدانستن (۳۶)، بُرادر (۵۵)، نُمایدو نمودن (۶۰).

۳) استعمال پای کوچک به شکل همزه روی یا های آخر کلمات مانند انگشتی (۱۷۸)، روزی (۱۳۴) و صدها کلمه دیگر از این قبیل که در متن به زودی می‌توان یافت (به کثرت)، و مخصوصاً دقت بسیار به کار رفته است که به همان شکل مذکور در نسخه به چاپ برسد تا خصائص این نسخه قدیم محفوظ بماند. نیز بعضی از موارد روی «ی» دو نقطه گذاشته است که تقلید آن در چاپ ممکن نشد.

۴) اختصاصات دیگر: از نجا (۱۳۳، ۱۶۴)، ولک (ولیک، ۲۲۹، ۲۳۹)، رها (رهائی، ۲۴۱)، شنوا (شنوائی، ۲۵۱)، هرچ (هرچه)، کک (کی)، کی (که)، چی (چه)، مسئله و نظایرش (که بصورت مسئله ای و... چاپ شد).

۵) جدا نوشتن کلمات مرکب مثل هم چون، راه گذر، هم چنان، نیم روز، راست گو، پای دار که در چاپ عیناً رعایت شد، یعنی جدا نوشته شد تا شیوه خط نسخه درست نموده شود.

باری، از میان رسم خط کتاب آن دسته که واجد اصالت سبک بود و صدمتی به خواندن متن وارد نمی‌کرد باقی گذاشته شد. اما دسته ای که از آنها نکته ای خاص و تازه حاصل نمی‌شد بصورت مرسوم کنونی به چاپ رسید، مانند آنکه بای اضافه از کلمات جدا و بای تأکید افعال به فعل چسبانیده و «می» استمراری بصورت مستقل از فعل نوشته شد.

ناگفته نماند که بعض فواید و اطلاعات مربوط به تمدن قدیم نیز درین کتاب خفته است، مانند آنکه حمامهای قدیم سه مخزن داشته (۱۴۸)، مکه را قائمه (راهنمایی) بوده است (۳۳۲). یا آنکه بر ما معلوم می‌دارد که دوات و مسواک (۳۵۷، ۳۵۸) را از چه جنسی می‌ساخته اند و این نکات هریک برای تحقیق در تمدن اسلامی واجد اهمیت است.

* * *

یگانه نسخهٔ عزیز و قدیم اما بی آغاز و انجام این کتاب ارجمند متعلق است به دوست گرامی و دانشمند دکتر مهدی بیانی، و من بنده سپاسگزار لطف و رهن منت اویم که آن را از چند سال پیش در اختیارم گذاشت و نشر کتاب را از رهگذر ادب پروری اجازت فرمود و در همان ایام توفیق رفیق شد که آن را به اجمال طیّی مقالتی در «نسخه‌های خطی» (نشریه کتابخانه مرکزی، دفتر دوم، تهران، ۱۳۴۱) معرفی کردم.

این مقدمه را به نام دوستان بزرگوار استاد مجتبی مینوی و محمد تقی دانش و دکتر عباس زریاب خویی به پایان می آورم که در حل مشکلات متن به آنها متوسّل شده و بمانند همیشه محبت و همراهی دیده‌ام. سپاسگزارم.

ایرج افشار

تهران، بیست و هفتم آذرماه ۱۳۴۶